

ظلم مثلث

مهران بهاری
۲۰۰۷- اوراق آبی (جولای)

<http://sozumuz.blogspot.com/>

سۆزوموز

در ادبیات سیاسی فارسی تعبیری عربی به شکل "ظلم مضاعف" برای توصیف وضعیت برخی از گروههای اجتماعی مانند زنان، ملتها و ... وجود دارد. مراد از ظلم مضاعف آن است که این گروهها علاوه بر معروض بودن به تزییق برخی از حقوق توسط دولت که همه شهروندان ایران به صرف ایرانی بودن از آنها محرومند، دارای برخی محرومیتهای ویژه خود نیز هستند.

هنگامی که از ملل ایرانی سخن گفته می شود، این اصطلاح برای تاکید بر حقوقی که این گروهها در مقایسه با قوم فارس توسط دولت جمهوری اسلامی از آنها محروم نگاه داشته می شوند بکار میرود. این حقوق شامل رسمی و دولتی نبودن زبان این ملل، نام برده نشدن از این ملل و زبانشان به اسم در قانون اساسی (بر خلاف قوم فارس)، عدم اداره امور سیاسی و فرهنگی خود، معروض بودن به تبعیض دولتی در تخصیص اعتبارات، عدم برخورداری از امکانات برابر رشد و توسعه اقتصادی در مناطق غیرفارس، است. از این جنبه ها همه ملل ساکن در ایران به جز فارسها تحت ستم مضاعف ملی قرار دارند.

اما هنگام بررسی گروه‌های منسوب به ملت ترک ساکن در ایران، به مواردی برخورد می‌شود که نمی‌توان آنرا با اصطلاح ظلم مضاعف توصیف نمود. در این موارد گروه‌های ترک از محرومیت و تضییق حقوق دیگری نیز رنج می‌برند که شایسته است آنرا به عنوان "ظلم ثلاثی" و یا "ظلم مثلث" نامید.

"ظلم مثلث" در استان همدانی آذربایجان

اخیرا در مطلبی از نشریه سینا چاپ استان همدان، گفته می‌شود که اهالی ترک این استان که اکثریت جمعیت استان را نیز تشکیل می‌دهند، به تبعیضات اعمال شده توسط سازمان صدا و سیما استان اعتراض نموده و خواستار تاسیس شبکه تلویزیونی خاص خود، و یا الحاق خود به پوشش تلویزیونی استان مجاور زنجان کرده‌اند: "برای نیمه شمالی استان همدان که بیش از یک میلیون نفر ترک در آن ساکن‌اند نیز یک شبکه رادیو و تلویزیونی محلی مستقل از شبکه رادیو و تلویزیون مرکز همدان دایر شود یا اینکه نیمه شمالی استان همدان (مناطق ترک نشین) زیر پوشش شبکه استانی رادیو و تلویزیون استان زنجان قرار گیرد. سهم یک میلیون ترک استان همدان از شبکه استانی رادیو و تلویزیون همدان، فقط یک ساعت برنامه اخبار ترکی (البته ترکیفارسی!) است و دیگر هیچ! نه تنها هیچگونه برنامه و سریال و فیلم و ... به زبان ترکی پخش نمی‌شود و از موسیقی ترکی همدان و در مجموع موسیقی آذربایجانی در آن خبری نیست بلکه حتی در برنامه‌های اندکی هم که با زبان فارسی در مورد مردم ترک نیمه شمالی استان همدان است تلاش می‌شود که فضای آن برنامه‌ها غیر ترکی شود. به تقاضاها و اعتراضات مکرر مردم ترک استان همدان در طی این چند سال توجهی نمی‌نمایند."

البته محروم بودن ترکان استان همدان از حقوق ملی خود از جمله همین حق داشتن تلویزیون استانی ترکی، بی‌شک می‌تواند در مقوله ظلم مضاعف گنجانده شود. اما هنگامی که وضعیت ترکان شمال استان همدان که اکثریت جمعیت این استان را تشکیل می‌دهند با کردان جنوب استان آذربایجان غربی که اقلیتی در این استانند را مقایسه کنیم، در می‌یابیم که این محرومیت نه با کمک "ظلم مضاعف" بلکه با یاری گرفتن از "ظلم مثلث" قابل توجیه است. کردان جنوب استان آذربایجان غربی - در حالیکه اقلیتی ملی در این استان‌اند - دارای مرکز تلویزیونی استانی ویژه خود و مستقل از مرکز استان اورمیه‌اند: "در استان آذربایجان غربی، اقلیت کردی ساکن مناطق جنوبی آن استان، دارای شبکه تلویزیونی و رادیویی محلی به مرکزیت مهاباد و مستقل از شبکه استانی مرکز اورمیه هستند". اما ترکان شمال استان همدان در حالیکه اکثریت ملی در این استان را تشکیل می‌دهند نه تنها از تسلط بر مرکز تلویزیون استانی محرومند (این مرکز به اقلیت قومی فارس این استان تعلق دارد)، بلکه حتی از داشتن مرکز تلویزیونی استانی ویژه خود مانند آنچه کردان استان آذربایجان از آن برخوردارند، نیز محرومند.

بیش از نیمی از آذربایجان جنوبی معروض به "ظلم مثلث" است

این وضعیت شرم آور در شمال غرب کشور منحصر به استان آذربایجان همدان نیست. در استانهای آذربایجان قزوین، مرکزی، تهران و قم و همچنین بخشهای آذربایجان استانهای کردستان، کرمانشاهان و گیلان نیز وضعیتی مشابه، حتی اسف انگیزتر وجود دارد. بر اساس بعضی ویژگیهای مشترک، این استانها را می توان به سه دسته اول "همدان-قزوین-مرکزی"، دسته دوم "تهران-قم" و دسته سوم "گیلان-کردستان-کرمانشاهان" تقسیم نمود.

در دسته اول همدان-قزوین-مرکزی، اکثریت مطلق جمعیت این استانها را ترکان تشکیل می دهد، اما اکثریت جمعیت مراکز استانها یعنی شهرهای همدان، قزوین و سلطان آباد (اراک) در دهه ها و یا سده اخیر فارس زبان شده است. بنابر این، در این استانها اکثریت ترک استان، تحت حاکمیت اقلیت عمدتاً فارس ساکن در مرکز استان قرار دارد. این نمونه کلاسیک "ظلم مثلث" است.

در دسته دوم تهران-قم، علاوه بر بخشهای ترک نشین غربی این استانها، اکثریت جمعیت مرکز استان یعنی شهرهای تهران و قم نیز ترک است. اما به سبب آنکه تهران، پایتخت سیاسی کشور و قم، پایتخت مذهبی آن بشمار میروند، لاجرم این دو مرکز از پایگاههای قومیتگرایی فارسی در کشور شمرده می شوند و سیاست غلیظ فارسگرایی و نادیده گرفتن خشن حقوق ملی ترکان ساکن در این دو شهر و بخشهای ترک نشین غرب این استانها از طرف دولت تعقیب می شود. در نتیجه، اکثریت ترک این دو شهر نیز، مانند بقیه اهالی ترک استان از کلیه حقوق ملی خود محروم نگاهداشته شده اند و البته در مراکز صدا و سیمای این استانها هم کوچکترین حضوری ندارند.

در دسته سوم یعنی گیلان-کردستان-کرمانشاهان، ترکان اقلیتی کوچک در استانند. در استان گیلان بخشهای آذربایجان و ترک نشین در دو قسمت جداگانه یعنی شهرستانهای آستارا، هشتپر، انزلی، ... در شمال استان و شهرستان رودبار در جنوب استان؛ در استان کردستان عمدتاً در شهرستانهای بیجار و قروه و در استان کرمانشاهان در شهرستان سنقر قرار دارند. این ترکان، که در مراکز استانی نیز حضور قابل ملاحظه ای ندارند، و بویژه در استان کردستان، توسط مقامات استانی از همه حقوق ملی خود، از جمله حضور در صدا و سیمای استانی محروم نگاه داشته شده اند (مقایسه کنید حقوق کردان در جنوب استان آذربایجان غربی، مثلاً داشتن مرکز صدا و سیمای مستقل را، با حقوق ترکان در استان کردستان که از داشتن چنین حقی محرومند). اینها نیز نمونه بارز "ظلم مثلث" اند.

"ظلم مثلث" در استان خراسان شمالی از افشار یورد

افشار یورد، منطقه ترک نشین در شمال شرق کشور است که به نوبه خود از مناطق ترک نشین استان خراسان شمالی، که اکثریت مطلق جمعیت آن ترک است و استانهای خراسان رضوی (و گلستان، مازندران و سمنان) تشکیل میشود. مرکز استان خراسان شمالی، شهر ترک نشین بجنورد است. در این شهر ترک نشین و مرکز استان، رادیو دارای برنامه هائی به زبانهای کردی و ترکمنی است، اما علیرغم خواست و اعتراض مکرر مردم دارای هیچ گونه برنامه ای به زبان ترکی، زبان اصلی و عمده بجنورد و خراسان شمالی نیست. علی اکبر سراجی محقق و شاعر ترک و سراینده منظومه یاد اولسون در این باره می گوید: "رادیو بجنورد به زبانهای کرمانجی و ترکمنی برنامه دارد ولی به زبان ترکی که زبان اصلی بجنورد است برنامه ای ندارد. در این مورد بارها به رادیو بجنورد اعتراض شده است". در باره وجود برنامه های تلویزیونی به زبان ترکی، گمان نمی رود که وضع بهتر از رادیو بوده باشد.

"ظلم مثلث" در استانهای فارس، اصفهان و از قاشقای یورد

قاشقای یورد، منطقه ترک نشین متراکم در جنوب ایران است. این منطقه بخشهای وسیعی از استانهای فارس، اصفهان و برخی از استانهای مجاور را در بر می گیرد. قاشقای یورد شامل همه مناطق ترک نشین جنوب ایران است و منحصر به مناطق صرفاً قاشقای نشین نیست، بلکه اصطلاح قاشقای یورد، علاوه بر اتحادیه ایلات ترک قاشقای، همه ترکان فریدن، ابیورد، ترکان داخل در اتحادیه ایلی خمسه (بش اویماق)، گروههای افشار، شاهسئوهن، قاراگوزلو و همه دیگر ترکان ایلی و غیر ایلی کوچک و بزرگ ساکن در جنوب ایران را نیز در بر می گیرد. (در واقع قاشقای نامی اختیاری برای اتحادیه ایلی ترکان بوده که در طول زمان گروههای ایلی ترک مختلفی به آن ملحق و یا از آن جدا شده اند. امروز نیز مصلحت است که - به دلیل کثرت قشقائیان، تاریخ سیاسی برجسته شان، وجود تقسیماتی اداری بنام ولایت قشقائی در سابق و نیز شعور ملی ترکی بالای ایلات ترکی داخل در این اتحادیه، تمام ترکان جنوب ایران، بویژه گروههای ایلی مانند ترکان اتحادیه ایلی خمسه بهارلو، ایناللو، نفر، افشار، بوچاقچی، شاهسئوهن، قاراگوزلو، داوطلبانه به اتحادیه ترکی قاشقای ملحق شوند و در سایه این اتحادیه به روند ادغام انسانی، فرهنگی، ایلی، زبانی و سیاسی و سرزمینی بین ترکان جداسر در جنوب ایران شتاب بخشند).

امروز هم در استان فارس و هم در استان اصفهان، جمعیت بسیار قابل ملاحظه ای از اهالی را - حتی طبق برخی از منابع اکثریت جمعیت را - ترکان ایلی و غیرایلی تشکیل می دهند. اما این ترکان، بر خلاف وضعیت استانهای دیگری که گروههای ملی در آنها دارای اکثریت اند مانند استان کردستان و از هیچگونه حضور قابل ملاحظه ای در سیما و صدای استان برخوردار نیستند. از اینرو ترکان این استانها نیز استحقاق آنها دارند که در گروه معروض به "ظلم مثلث" جای داده شوند.

روش تقلیل "ظلم مثلث" به "ظلم مضاعف"

به نظر میرسد علاوه بر اهتمام برای نیل به اهداف عمومی که دیر یا زود محقق خواهند شد، مانند رسمی و دولتی شدن زبان ترکی، ایجاد رادیو و تلویزیونهای ترکی سراسری و تصحیح مرزهای استانی فعلی بر اساس بافت ملی ساکنین و ... ترکان هر استان و شهرستان می بایست بر اساس شرایط ویژه خود اهداف مشخصی را تبیین و برای تحقق آنها به طور پیگیر و متشکل اقدام نمایند. می باید فرهنگیان و روشنفکران و مردم خواستار تاسیس و یا افزایش برنامه های رادیو تلویزیونی اعم از فیلم، خبر، موسیقی،... به زبان ترکی شوند، این خواستها را پی در پی در نشریات و سایتهای اینترنتی منعکس نمایند و به گوش مسئولین محلی و مخصوصا نمایندگان مجلس برسانند، برای تحقق هر چه سریعتر این خواستههای دمکراتیک، آنها را به میان مردم برده، افکار عمومی توده ترک در حمایت از آنها را شکل دهند، در صورت مساعد بودن شرایط، همانگونه که در نمونه استان همدان دیده می شود، خواستار تاسیس مراکز رادیو تلویزیونی مختص خود در استان شوند و یا قرار گرفتن تحت پوشش استان مجاور ترک نشین با برنامه های ترکی بخواهند. و یا مانند نمونه بیجار و آستارا، اساسا خواهان انتزاع شهرستانهای ترک نشین خود از استانهای مطبوع و الحاق به استانهای آذربایجانی مجاور مانند اردبیل و زنجان شوند.

گُرچه یه هو!!!